

بازتابی بر یک دیدگاه

سپیده چمن آرا

کارشناس ارشد آموزش ریاضی

نیز باشد. و گرنه به اعتقاد اینجانب، کلاس وی تنها مبدل به صحنه‌ی یک نمایش خواهد شد که در آن، نمایش نامه‌ای را که کارگردان - بخوانید معلم - دیگری نوشته است، بسیار بد اجرا می‌کنند! اعتقاد واقعی و آشنایی کامل و صحیح و دقیق با این مبانی نظری - مبانی نظری نهفته در پس روش‌های فعال و دانش‌آموز محور و کارهای گروهی و بحث‌های کلاسی و مشارکت دانش‌آموزان در امر تدریس و... می‌تواند معلم را از یک مقلد، به یک مولد تبدیل کند که خود، به آن حد از توان رسیده باشد که بتواند با توجه به شرایط مختلف، در هر کلاس، تصمیم مناسبی برای چگونگی تدریس یک موضوع - بخوانید طرح درس - در آن کلاس بگیرد.

با توجه به توضیحات فوق، باید حواسمان جمع باشد که فعال بودن دانش‌آموزان در فرآیند یاددهی - یادگیری را، با سلب مسئولیت از خودمان، عنوان معلم، اشتباه نگیریم و گمان نکنیم که اگر به برخی از دانش‌آموزان، مسئولیت‌هایی نظیر بررسی راه‌حل‌های تمرین‌های دیگر دانش‌آموزان یا رفع اشکالات درسی آن‌ها را می‌دهیم، آن‌ها را در این جریان، فعال و پویا ساخته‌ایم؛ بلکه حتی این روش‌ها هم باید با هدایت معنادار معلم صورت گیرد تا علاوه بر نیل به هدف‌هایی نظیر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ضعیف‌تر، توانسته باشیم به یادگیری عمیق‌تر موضوع درسی به دانش‌آموزان به اصطلاح قوی‌تر و ایجاد ارتباط و اتصال میان مفاهیم جدید و قدیم در ذهن آن‌ها - یعنی معنای یادگیری در دیدگاه‌های نظری مرتبط با این روش‌ها - نیز کمک کرده باشیم.

در واقع، در هر روش ابداعی، که واقعاً مبتنی بر دیدگاه ساخت و سازگرایی باشد - دیدگاه نظری که این روزها بیش از سایر دیدگاه‌های آموزشی، به نقش یادگیرنده توجه کرده است - وظیفه و نقش معلم، به مراتب سخت‌تر از سایر روش‌هایی است که در آن‌ها خود معلم، همه‌ی مسئولیت‌ها را بر دوش دارد؛ زیرا در آن صورت، کمتر به تصمیم‌گیری‌های مناسب با شرایط مختلف نیازمندیم و تنها برنامه‌ی از قبل تعیین شده‌ای را که خود، مجری همه‌ی قسمت‌های آن هستیم، اجرا می‌کنیم.

«دیدگاه»، یکی از ستون‌های نسبتاً ثابت در مجله‌ی رشد آموزش ریاضی است و همان‌طور که همیشه، در ابتدای این ستون ذکر شده است، با هدف تعامل بیش‌تر با مخاطبین و تبادل نظر بین آن‌ها در مجله جای گرفته است. خواست مجله‌ی رشد آموزش ریاضی از مخاطبین، «پاسخ‌گویی» به دیدگاه‌های مختلف و «نقد» آن‌هاست. البته همان‌طور که می‌دانید، «نقد» به معنای «مخالفت» نیست؛ و من قصد دارم باب این «نقد» را باز کنم. باشد که دیگر مخاطبان مجله، آن را ادامه دهند...

از آن‌جا که توفیق آن را دارم که مطالب مجله را، پیش از چاپ و توزیع آن، بارها و بارها بخوانم، با خواندن پیشنهادها و راه‌کارهای همکار خوبان، آقای حسین خلیفه، احساس کردم در تکمیل صحبت‌های این همکار، توجه به برخی نکات نیز ضروری باشد.

امروزه توجه به نقش یادگیرنده در فرآیند یاددهی - یادگیری یکی از موضوعات بسیار مورد توجه - به‌ویژه معلمان ریاضی - است. این امر، با بررسی مطالب ارسال شده به دفتر مجله، به‌خوبی آشکار است و در بسیاری از این مطالب، نگارندگان مطلب خود را با جملاتی با این مضامین آغاز کرده یا خاتمه می‌دهند که «اگر دانش‌آموز در کلاس فعال نباشد، یادگیری واقعی رخ نمی‌دهد». «اگر معلم، تنها انتقال‌دهنده‌ی دانش و مفاهیم باشد، دانش‌آموز آن‌ها را به صورت معناداری فرا نخواهد گرفت». «دانش‌آموزان باید در فرآیند یادگیری، فعال باشند». و «...» بهتر است بار دیگر توجه کنیم که «فعال بودن دانش‌آموزان در زمان یادگیری»، تنها به فعالیت جسمی آن‌ها خلاصه نمی‌شود. در واقع معنای واقعی این «فعالیت»، فعالیت و پویایی ذهن است که باید درگیر موضوع - چه جدید، چه قدیم، بسته به محتوای درس - شده باشد و به صورت پویا، جریان و مراحل یاددهی - یادگیری را تعقیب کرده و خود - در کنار معلم - یکی از پیش‌برندگان این جریان باشد.

لذا معلم، برای ایجاد و هدایت چنین فضایی در کلاس درس خود، نه تنها باید با مبانی نظری دیدگاه‌هایی که این روش‌های تدریس را مشروع می‌دانند، به‌خوبی آشنا باشد، بلکه باید عمیقاً به آن‌ها معتقد